

نقش هویت مکانی در بروز گُنش سیاسی مطالعه موردی: میدان و خیابان انقلاب شهر تهران

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۱۱ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۲/۱۵

صفحات: ۱۶۷-۱۵۱

مراد کاویانی راد: استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تربیت معلم تهران^۱

Email: kaviani@yahoocom

علی عزیزی کاوه: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت معلم تهران

Email: a.azizi@yahoocom

چکیده

هویت مکانی، تابعی از کارکرد فضاها و ساختارهای مکانی است. هویت‌های مکانی برانگیزاننده احساس تعلق مکانی متفاوت هستند که متناسب با فرهنگ سیاسی ساکنان آن محدوده خالق کنش‌های سیاسی متفاوت به شمار می‌روند. حوزه نفوذ مکان‌ها تابعی از وزن مکانی و موقعیت راهبردی آنهاست. از این منظر کنش گران سیاسی با حضور در مکان‌های خاص به قدرت‌نمایی و سهم‌خواهی می‌پردازند. مناطق ۶ و ۱۱ تهران به واسطه وجود مراکز مختلف سیاسی، آموزشی در مقیاس ملی و بین‌المللی و پیوند شرق و غرب تهران طی چند دهه گذشته کارویژه سیاسی خاصی به محدوده میدان و خیابان انقلاب داده‌اند. این ویژگی‌ها محدوده یاد شده را آوردگاه نیروها و جریان‌های سیاسی مختلف قرار داده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از یافته‌های میدانی دیگر پژوهش‌های انجام شده به نتیجه رسید که فضا، ساختار و کارکردهای مکانی محدوده میدان و خیابان انقلاب القاء کننده آن شکل از هویت مکانی برای جریان‌های سیاسی است که دیگر محدوده‌ها توان تأمین آرمان‌ها و مطالبات آنها را ندارند.

کلید واژگان: هویت مکانی، حس مکان، کنش سیاسی، تهران، میدان انقلاب

^۱ نویسنده مسئول: تهران- خیابان مفتاح- دانشگاه تربیت معلم- دانشکده علوم جغرافیایی

مقدمه

مکان، کانون علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است. انسان با توجه به مجموعه باورها، اندیشه‌ها و کنش‌هایش، منشأ معنادهی و هویت‌سازی برای مکان به شمار می‌رود. پیدایش مکان برآیند تعامل محیط پدیداری و محیط واقعی در قالب برهم کنشی بنیادهای زیستی و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیک و دستیابی به منابع قدرت و تصمیم در قالب سرمایه، رسانه و مدیریت است. عوامل مؤثر در پراکنش این تعاملات و قالب‌ها به ساختارهای متفاوت و تمایزات مکانی می‌انجامد. تمایزات مکانی با پیدایش طبقات اجتماعی، توزیع فقر و غنا، هویت‌های مکانی و تمایزات کارکردی همراه است. شهرها جذاب‌ترین محدوده مطالعه تنوع مکانی هستند. پیدایش ساختارهای شهری در قالب گذر، محله، سازه-های رفاهی و زیربنایی و... با توجه به ساختار و کارکرد سرمایه، بهای زمین، سطوح برخورداری، مبادلات فضایی، پیشینه تاریخی، تحولات اجتماعی و سیاسی و نقش مراکز قدرت در تصمیم‌گیری و جُستار توزیع به مکان‌ها هویت و کارکرد ناهمگونی داده‌است. تفاوت در معنا و کارکرد مکان‌های شهری به هویت و کنش مکانی ساکنان آن جهت می‌دهد. برخی از شهرها به ویژه پایتخت‌ها به واسطه نقشی که در تحولات ملی و گاه جهانی داشته‌اند در جهت‌گیری رویکردها و نگرش‌های ملی از جایگاه کانونی برخوردار هستند. بی‌گمان، همه بخش‌های یک شهر هم اندازه در بروز تحولات یادشده نقش نیافریده‌اند بلکه برخی مراکز به واسطه نقش کانونی در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی (همانند بازار، مراکز اداری و مالی و...) در تعامل با دیگر بخش‌ها نقش کانونی داشته‌اند. این مراکز گاه در نقش نمادهای شهری از وزن ژئوپلیتیک خاصی برخوردار هستند و جریان‌های سیاسی می‌کوشند با حضور در این مکان‌ها به قدرت‌نمایی و سهم‌خواهی در قدرت بپردازند.

شهر تهران طی دو سده اخیر در جایگاه پایتخت دویست ساله ایران گرانیگاه قدرت و تعامل فضایی در دو سطح ملی و فراملی بوده و در جهت‌دهی به روندها و تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور وزن ژئوپلیتیک بالایی داشته است. از این‌رو، گزاف نیست که گفته شود در عرصه مناسبات بین‌المللی تحولات تهران بازتابی از مناسبات قدرت در میان بازیگران و کنشگران عرصه سیاست کشور بوده است. وجود یادمان‌های تاریخی همانند میدان بهارستان، میدان آزادی، میدان انقلاب و... بازتابی از تحولات سیاسی، توسعه‌ای و فرهنگی کشور طی یک سده اخیر بوده‌اند. در این میان، میدان انقلاب به واسطه نقش کانونی در حوزه-های فرهنگی، علمی، سیاسی، دانشگاهی، ارتباطی و... طی چند دهه اخیر نماد قدرت‌نمایی

جریان های سیاسی کشور و تجلیگاه اعتراض، راهپیمایی و تظاهرات با عناوین مختلف سالانه و موردی بوده است. مقاله حاضر بر آن است که با رویکردی توصیفی- تحلیلی نقش کانونی میدان انقلاب شهر تهران را به عنوان گره گاه مناسبات فضایی قدرت در عرصه کلان کشور بازنمایی کند. روش گردآوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز کتابخانه ای و در چارچوب استفاده از کتب و مقالات (داخلی و خارجی)، استفاده از اینترنت و بهره گیری از یافته های پیمایشی دیگران بوده است.

ادبیات مسأله

الف. ادراک محیطی

محیط، مجموعه وضعیت پیرامونی است که فرد یا واحدی را احاطه می کند و به کنش و کارکرد آن جهت و معنا می دهد. در جغرافیا محیط از درهم تنیدگی اوضاع اجتماعی- اقتصادی ساختار جامعه و لایه زندگی (زیست کره) به وجود آمده است (شکوئی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). ویژگی های ساختاری محیط تعیین کننده عملکرد آن است بدین مفهوم که الگوهای رفتاری و نقش های اجتماعی را بر ساکنان خود تحمیل می کند یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می کند (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۲). رفتار تابع تأثیر متقابل فرد و محیط است. محیط و رفتار آنقدر درهم تنیده اند که دشوار می توان آنها را از هم جدا کرد. جدایی ناپذیری آنها نه تنها بر مبنای این گفته مرسوم است که «محیط بر رفتار تأثیر می گذارد» بلکه به این دلیل است که نمی توان رفتار را مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد پس ناگزیر باید رفتار را در بستر محیطی آن تعریف کرد (آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۵۲). در این میان ادراک، فرآیند دریافت، تعبیر و تفسیر محرک های پیرامونی است که برخاسته از آن افراد پنداشت ها و برداشت هایی که از محیط خود دارند را تفسیر و معنا می کنند (نصر اصفهانی و احسان پور www.mbaforum.ir). از این رو، محیط ادراکی، بخشی از محیط واقعی است و تصویر ذهنی برخاسته از محیط پدیداری به شمار می رود. نتیجه آنکه با افزایش گستره محیط ادراکی، محیط کارکردی نیز گسترش می یابد (شکوئی، ۱۳۸۶: ۱۱۲) و متناسب با افزایش درک افراد از محیط، رفتارهای سنجیده تری در آن جا اتخاذ می شود ادراک شخص از جهانی که می شناسد به نقشه ذهنی معروف است. نقشه ذهنی، نقشه درونی فرد از جهان شناخته شده اوست. جغرافی دانان به جستار نقشه ذهنی افراد و اینکه چگونه آنها فضای پیرامون شان را سامان می

بخشند علاقه‌مند بوده‌اند. پژوهش درباره نقشه ذهنی نشان می‌دهد که پوشش رسانه‌ای از مکان‌ها، تأثیر عمده‌ای بر ادراک افراد از جهان پیرامون دارد (۲۰۱۰، <http://geography.about.com>). مفهوم نقشه ذهنی به ادراک و دیدگاه افراد از جهان زیست‌شان بر می‌گردد. جستار نقشه ذهنی مورد توجه جامعه‌شناسی و جغرافی‌دانان نوگرا بوده است. بی‌گمان، کارکرد و پوشش اخباری رسانه‌های فراگیر بر نقشه ذهنی جهان جغرافیایی افراد اثر مستقیم دارد (۲۰۱۰، wikipedia.mental.map). نقشه‌های ذهنی نمودی از آگاهی، تصویری از یک مکان و یا یک محیط است که به عنوان نماینده سازمان‌یافته از واقعیت در مغز فرد بسط یافته و به عنوان نتیجه‌ای از اطلاعاتی که دریافت شده، محفوظ، قابل احضار و تفسیر شده است. نقشه‌های ذهنی به نوبه خود بر روی تصمیم‌گیری و انتخاب فردی تأثیر می‌گذارد و در نهایت رفتار شخص را تعیین می‌کند (بهفروز، ۱۳۷۰: ۷۱-۳۱). ادراک به عنوان منبع تمام اطلاعات محیطی کانون هر گونه رفتار محیطی است. ادراک محیطی و جغرافیای رفتاری زیر مجموعه گسترده‌ای از جغرافیای انسانی است که رویکرد نامنسجمی به مطالعه فعالیت انسان در قالب فرهنگ و جامعه دارد. در این قالب، طیفی از رفتار انسانی، ادراک، نگرش‌ها، باورها، خاطرات، زبان، توجهات، استدلال و حل مسئله در چارچوب مکان و فضا مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پژوهش‌های مرتبط با ادراک محیطی و جغرافیای رفتاری افراد به مانند قطعات تعویض‌پذیر نیستند بلکه آنها از نظر فرهنگی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، سن، جنسیت، تحصیلات و تجربیات توانمندی‌های متفاوتی دارند (۲۰۱۰، www.aag.org).

۱- مکان و هویت مکانی

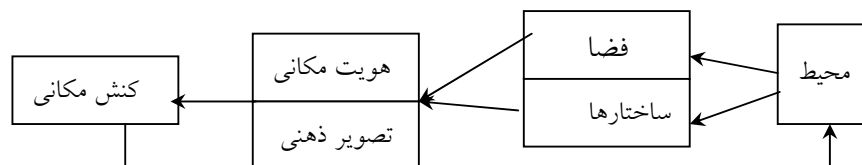
مکان یا جا، کانون مطالعات جغرافیایی است (بهفروز، ۱۳۷۴: ۱۵). در جغرافیا هر واقعیت عینی با مکان پیوند می‌یابد (شکوئی، ۱۳۸۶: ۳۰۰). در عین حال، مکان، مفهومی در آمیخته با فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (بیگدلی و شریفی، ۱۳۸۷: ۲۴۳). سکونت از مهمترین شیوه‌های معنادهی یا قابل درک کردن طبیعت است. درک معانی تجربیات زیستاری با «نام نهادن» آغاز می‌شود و از این «جا» هویت شروع به شکل‌گیری می‌کند هویت حاصل شکل‌گیری، دگرگونی و تمایز تصورات ذهنی و کالبد عینی است که یکی در دیگری تجلی یافته است و در مکان واقع می‌شود. هویت را بدون در نظر گرفتن زمینه و منشأ مکانی و اجتماعی آن نمی‌توان متصور شد. از این منظر، هویت برآیند چگونگی تأمین نیازهای شخصی و جمعی در مکانی ویژه است (شخصی و میرزایی، ۱۳۸۷، www.civilica.com). انسان مهم‌ترین عامل معنا دهنده به مکان است و از عوامل تأثیرگذار در رفتار انسان در اماکن عمومی، ادراکی است که او از مکان

دارد. انسان از مکان‌های متفاوت تصاویر متفاوتی در ذهن دارد. احساسات بر ادراک محیطی و شکل‌گیری تصویر ذهنی انسان از مکان تأثیر می‌گذارند. همین تصاویر ذهنی است که به مکان هویت می‌دهند. افزون بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت بخشیدن به مکان مؤثر است (سادات حبیبی، ۱۳۸۷: ۴). هویت‌های مکانی از سه عامل درهم تنیده تشکیل می‌شوند: ۱- عوامل مشخص طبیعی و نمودهای ظاهری آن ۲- فعالیت‌های مشاهده‌پذیر و کارکردها و ۳- مفاهیم یا نمادها (شکوئی، ۱۳۸۶: ۲۷۵).

بر این اساس، مکان سازنده بخشی از شخصیت و هویت افراد است که خود را با آن می‌شناسند و به دیگران می‌شناسانند. آنگاه که درباره خود می‌اندیشند خود را وابسته به آن مکان می‌دانند و آن مکان را بخشی از خود می‌انگارند و با آن روابط عمیقی برقرار می‌کنند. پس هویت مکانی بخشی از زیربنای هویت انسان و برآیند شناخت او درباره جهانی (محیط ادراکی و واقعی) است که در آن می‌زید. این شناخت شامل یادها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، ترجیحات، مفاهیم و آرمان‌های انسان درباره مکان‌هایی است که به ادراک و رفتار او جهت می‌دهند. از این‌رو، مکانی مکان است که با ذهن انسان پیوند یابد و قابلیت یادآوری داشته باشد و بخشی از ذهن شود. چه بسا دو مکان از نظر فاصله عددی بسیار به هم نزدیک باشند اما به دلیل آنکه فرد خاطره‌ای از آن ندارد و هیچ گونه ادراک حسی در آن رخ نداده است به نظر شخص آن دو، دور از هم به نظر برسند و در یکی خود را بیابد و در دیگری چیزی نیابد. مکان به سبب پوشش‌های انسانی که در آن رخ داده است نیز معنا می‌یابند. این فعالیت‌ها و خاطرات که در ذهن انسان‌ها نقش می‌بندند ممکن است فردی یا جمعی باشند که با گذشت زمان و رجوع چندباره به مکان و بروز رویدادهای مشترک در زمانی خاص در مکان به حافظه و خاطره جمعی شکل دهند (سادات حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۵).

در شکل‌گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: در مرحله نخست، فرد محیط را شناسایی می‌کند که هویت مکان نامیده می‌شود. در مرحله دوم فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می‌گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد. هویت مکانی در خلق حس مکان یا بی‌مکانی نقش اساسی دارد. حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کمابیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌یابد و یکپارچه می‌شود. این حس موجب تبدیل یک فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان افزون بر این که موجب احساس آرامش از یک محیط می‌شود از مفاهیم فرهنگی مورد

نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. با این حال، حس مکان امر از پیش تعیین شده‌ای نیست بلکه از تعامل انسان با مکان زندگی روزمره پدید می‌آید: فرد مجموعه‌ای از تصورات قبلی خود را به محیط می‌دهد. همین تصورات چگونگی پاسخ او به محیط را تعیین می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۳).



مدل مفهومی نسبت هویت مکانی با کنش مکانی (ترسیم نگارندگان)

۲. مکان تجلی کنش سیاسی

مکان، تجلیگاه بروز بخشی از رفتار سیاسی است که در قالب موافقت و مخالفت نسبت به روندها و تصمیمات نمود می‌یابد. مکان‌ها متناسب با کارکردهای تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و... که داشته‌اند بر انگیزاننده هویت و در نتیجه حس مکانی متفاوتی در میان افراد و گروه‌های مختلف جامعه هستند. امروزه ژئوپلیتیک سرمایه و رسانه در بارورسازی و روزآمدسازی یا هویت زدایی از مکان‌ها نقش اساسی دارند. بی‌گمان، مقوله تمایزات مکانی و بار عاطفی مترتب بر آنها به رفتار سیاسی کنشگران عرصه سیاست عمق و گستره خاص می‌بخشد. برخی مکان‌ها کارکرد راهبردی دارند و به کار ویژه جریان‌های سیاسی ماهیت ملی و بین‌المللی می‌بخشند. به طوری که برداشت دیگر ملل درباره کشور خاص تابعی از بروز رفتار سیاسی در فلان مکان خاص است. میدان‌هایی همانند میدان سرخ مسکو، تیان-آمین پکن و التحرير قاهره از چنین ویژگی‌هایی برخوردار هستند. این کنش‌ها و پویاها در فضاهای شهری روی می‌دهند، گذرها، خیابان‌ها و میدان‌ها تعریف کننده ساختار اصلی شهر هستند چرا که برای ساکنان شهر، تجربه یک فضای شهری بیش از دیگر فضاها در گذرها، پیاده راه‌ها و میدان‌ها اتفاق می‌افتد. چنانچه فضای شهری مجموعه‌ای از عناصر عینی (اجزای شهری) و محتواهای کیفی (مفاهیم) بدانیم، مفاهیمی به میان می‌آیند که همه آنها در کارکرد موفق یک فضای شهری سهم بسزایی دارند (فلاح و اشرف

گنجوی، ۱۳۸۴، www.civilica.com) و این مفاهیم با در آمیختن با هویت و کارکرد مکان‌ها در شهر به منش‌ها پویش‌های کنش گران عرصه سیاست و قدرت در سطوح مختلف جهت و جلوه می‌دهد.

قدرت کانون علم سیاست است. هرگونه کنشی که یکی از اهداف آن، آگاهانه یا ناآگاهانه در پیوند با قدرت (نقد یا پشتیبانی) تعریف شود کنش سیاسی است. کنش گران سیاسی در قالب فرد، اجتماع، احزاب، جبهه، حاکمیت و... عرصه قدرت و تصمیم را جولانگاه خواست‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی خود قرار می‌دهند. کنش سیاسی تابعی از فرهنگ سیاسی است. فرهنگ سیاسی، مجموعه باورها، گرایش‌ها و ایستارها، ارزش‌ها و معیارهایی است که شکل‌دهنده علل سیاسی و رفتار اجتماعی افراد جامعه در زندگی سیاسی است که ریشه در رویدادهای اجتماعی و تجارب فردی و جمعی دارد. کنش سیاسی بازیگران عرصه سیاست به چگونگی فرهنگ سیاسی آن بستگی دارد. رویکرد کنش گران سیاسی به مؤلفه‌های مختلف سیاسی همانند فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی، رهبران و پیروان، جامعه و علایق ویژه، نمایندگی و انتخابات، احزاب و گروه‌های فشار، کشمکش داخلی و جنگ، تفکر درباره دموکراسی، آزادی و نتیجه‌ای برخاسته از آن چنانچه موجب مشروعیت سیاسی در عرصه سیاست داخلی، کسب اعتبار جهانی و ایفای نقش بازیگری فعال در عرصه سیاست بین‌الملل شود، یا به عکس موجب عدم مشروعیت سیاسی در عرصه سیاست داخلی، انزوای سیاسی و یا ایفای نقش بازیگری غیرفعال در عرصه سیاست بین‌الملل شود در قالب کنش و رفتار سیاسی قابلیت بررسی دارد (پای، ۱۳۸۳: ۱۰۰۲). سیاست ممکن است پدیده‌ای دشوار برای مشاهده باشد اما خود را در فضا آشکار می‌کند. یکی از قابل مشاهده‌ترین شیوه‌های قدرت در حال عمل، اشغال یا کنترل فضا است. در این میان، معماری، قدرت را در اشکال مادی شده، خوانش‌پذیر می‌کند. در هر کدام از این معانی، شهرها، مکان‌های شاخص قدرت رسمی هستند. شیوه‌های اقتدار سیاسی، حقوقی، قانونی، اقتصادی، پلیسی و نظامی در فضا نمود مادی می‌یابند و در نهادها عینی می‌شوند. قدرت سیاسی می‌تواند در فضایی که اشغال می‌کند بازنمایی شود (تانکیس، ۱۳۸۸: ۹۲) بازیگران عرصه سیاست متناسب با اهداف، آرمان و منافع که متصور هستند معمولاً مکان‌های خاصی در شهرها (ی مهم) به ویژه پایتخت را کانون حضور طرفداران خود قرار می‌دهند که در آنجا با طرح مطالبات شان به قدرت‌نمایی یا سهم‌خواهی می‌پردازند. بی‌گمان، قدرت‌نمایی و سهم‌خواهی یادشده تابعی از فرهنگ سیاسی، منافع و ویژگی‌های مکانی بروز کنش سیاسی است.

۳. شهر پدیده‌ای جغرافیایی - سیاسی

سیاست همانند دیگر مناسبات اجتماعی در فضا آشکار می‌شود. اندیشیدن درباره سیاست و قدرت تقریباً همواره با فراخواندن مجموعه‌ای از مناسبات فضایی همراه است. این فضاها واقعی نمودار قدرت اجتماعی و مکانی برای رویدادهای سیاسی و سازنده موضوعات مبارزه هستند. فضاها شهری برای کنش سیاسی، مکان تدرک می‌بینند و خود در مبارزه بر سر دسترسی، کنترل و نمایندگی با سیاست در می‌آمیزند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۹۱). شهر ابداعی اجتماعی است که عناصر وسعت، موقعیت و سازمان داخلی آن در کارکرد توزیع قدرت مؤثر هستند. شهر بازتابی از کشمکش بر سر قدرت و بسیاری از تغییرات اساسی است که برای بسیج شهروندان در نقش و ساختار شهر اتفاق افتاده‌است. شکل و فرم شهر متأثر از جنبش‌های اجتماعی آن تا اندازه‌ای ناشی از کارکرد فشار از پایین به بالاست. شهروندان سازندگان جنبش‌های اجتماعی شهری هستند. در عرصه سیاسی شهر، شهروندان در مقام کارگران، مالیات‌پردازان، استفاده‌کنندگان از خدمات و ساکنان، نقش‌های مختلفی برعهده دارند (Renin short, ۱۹۹۳: ۱۴۹). شهرها با توجه به مراکز تجاری، حومه‌های ثروتمند، محله‌های فقیرنشین، حلبی‌آبادها و محله‌های ممنوعه‌شان، جغرافیای سیاسی مخصوص به خود دارند. شهر به عنوان پدیده‌ای سیاسی - فضایی و بخشی از کشور، کانون تجمع و تمرکز جمعیت، تولید، مصرف، سرمایه، خواست‌ها، پردازش‌اندیشه‌ها و کنش‌های متعالی، تجلیگاه آخرین دستاوردهای علمی بشر با حجم بالای مصرف در عین حال محل تجمع فقر و جرائم سازمان یافته در قالب تمایزات مکانی، سازه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی نمود فضایی یافته است که بنیاد تداوم و پویایی زندگی شهری را فراهم می‌کند. فضای شهر بازتابی از نظام مدیریت سیاسی فضا در چند عرصه خرد (ناحیه‌ای)، کلان (ملی) و گاه جهانی است. پدیده فضایی - سیاسی شهر، مورد مطالعه رشته‌ها و گرایش‌های مختلف بوده‌است. در این میان، جغرافیای سیاسی شهر به بررسی کارکرد نهادها، سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی در شکل‌گیری مناسبات فضایی شهر می‌پردازد (<http://geog>). (Ca. ۲۰۱۰). و فرایندها و پیامدهای فضایی برخاسته از تعامل میان سه عنصر سیاست، شهروندان و شهر را بررسی می‌کند (کرمی و عبدی، ۱۳۸۹: ۲۷). جغرافیای سیاسی شهر مطالعه مناسبات میان جغرافیا و سیاست‌های شهری است که در قالب آن جغرافیای سیاست‌های شهری و سیاست‌های جغرافیای شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. بی‌گمان سیاست‌های شهری نمی‌تواند جدای از وضعیت جغرافیایی آن باشد. بر این اساس، سیاست‌های شهری ماهیتی جغرافیایی و جغرافیای شهری ماهیتی سیاسی خواهد داشت (<http://www.geography.osu.edu>, ۲۰۱۰).

این بررسی‌ها شهرها از دو منظر چپستی پدیده سیاسی و مناسبات بازیگران عرصه قدرت سیاسی اهمیت می‌یابند (۲۰۱۰. <http://faculty.Washington.edu>). زیرا فضای شهری عرصه کنش سازمان‌های سیاسی، اداری و سرزمینی است (۲۰۱۰. <http://www.geoearth.ncc.edu>) و مناسبات قدرت در شکل بخشی به هویت مکانی شهرها نقش جدی دارند و هویت‌های ایجاد شده مقوله دسترسی به فضا، منابع، فرایندهای سیاسی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ب. محیط‌شناسی مسئله

۱- کلان‌شهر تهران

از زمانی که آقامحمدخان قاجار در سال ۱۱۶۴ خ. تهران را به پایتختی برگزید بیش از ۲۲۵ سال می‌گذرد. از آن زمان تاکنون تهران همواره با تشدید تمرکز در ابعاد جمعیتی، اقتصادی و کالبدی مواجه بوده‌است به گونه‌ای که از جمعیت ۹۳۴،۵۶۰،۱ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۲۰،۷۹۷،۷ نفر در سال ۱۳۸۵ رسید. تهران به عنوان بزرگ‌ترین شهر و پایتخت کشور با مساحت ۷۳۰ کیلومتر مربع به همراه توابع خود (استان تهران)، جمعیتی برابر ۸۵۸،۱۳،۲۸۱ نفر و مساحتی برابر ۱۸،۸۱۴ کیلومتر مربع دارد (نظریان، ۱۳۸۸: ۱۶۷). نکته کلیدی درباره موضوع تمرکز در تهران، روند انباشت سرمایه در پایتخت بوده‌است. به‌طوری که در این بازه زمانی، انباشت سرمایه در کشور به نفع پایتخت جهت‌گیری کرده و از نظر تاریخی نیز تمرکز بیشتر اشکال فعالیت اقتصادی در تهران تابعی از موقعیت مسلط دولتی-اداری این شهر نسبت به بقیه کشور بوده‌است. تهران محل تجمع ثروت و مرکز فعالیت‌های اقتصادی است که خود زمینه جذب مهاجران از دیگر نقاط کشور حتی خارج از آن بوده‌است توسعه پراکنده و نابسامان این مجموعه شهری عمدتاً برآیند اسکان غیر رسمی گروه‌های کم درآمد در زمین‌های حاشیه‌ای اطراف آبادی‌ها، شهرها و محورهای ارتباطی منطقه بوده که مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، محیطی و سیاسی عدیده‌ای را پدید آورده‌است. به گونه‌ای که طی یک دهه گذشته چالش‌هایی نظیر اشتغال، شکاف درآمدی، شکاف طبقاتی، شکاف حاشیه/متن، بحران محیط زیستی، نارسایی‌های منابع زیستی، عدم کفایت سامانه‌های خدمات شهری، ناهنجاری‌های فرهنگی-اجتماعی در فضای کلان‌شهری بروز کرده است. نظام شهری تهران بسیار تغییرپذیر و کمتر تکامل‌پذیر است. تهران یک نظام کاملاً باز و در ارتباط چند وجهی با فضاهای بیرونی است به این معنا که شمار زیادی از مراکز جمعیتی در پیرامون مرکزیت خود دارد. تهران یک نظام شهری اثرپذیر-اثریخس با حساسیت بالاست که از جنبه‌های مختلف در زیر نظام‌های فرهنگی، کالبدی، ترافیکی، اقتصادی و اجتماعی خود، از نظام برون سیستمی (چه داخلی و چه خارجی) تأثیر می‌پذیرد و در عین حال بر نظام‌های فرعی اطراف خود به شدت

تأثیر می‌گذارد. به طور کلی از چالش‌های اساسی عرصه داخلی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در یک دهه اخیر می‌توان به معضل اشتغال جوانان جویای کار به‌ویژه جوانان تحصیل کرده، معضل مواد مخدر (اعم از توزیع و مصرف)، بحران آب، توسعه سیاسی، ضعف سیستمی نهادهای دولتی و عمومی در خدمات رسانی اشاره کرد. این کلان‌شهر مرکزیت اداری-سیاسی کشور را در درون و برون مرزهای سیاسی تنظیم می‌کند و در تعامل با دیگر نقاط جهان در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، درجه بالایی از تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را در یک تحلیل سیستمی آشکار می‌کند. اگر میان پایداری و ظرفیت ملی با پایداری و ظرفیت کلان‌شهرها به‌ویژه کلان‌شهر تهران رابطه معناداری را ترسیم شود در نتیجه ناپایداری‌های کلان‌شهری، عرصه امنیت داخلی با چالش گسترده‌ای مواجه است. با نگاه اجمالی به فضاهای عملکردی چنین چالش‌هایی، کلان‌شهر تهران در معرض خطرپذیری ویژه است که بی‌تردید بر وزن ژئوپولیتیک کشور تأثیر مستقیم دارد (قالیباف <http://www.ghalibaf.ir>)^۱

۲- میدان و خیابان انقلاب تهران

میدان انقلاب (۲۴ اسفند سابق) به عنوان یکی از میدان‌های اصلی شهر در تقاطع خیابان‌های انقلاب، کارگر و آزادی قرار دارد. به دلیل مرکزیت آن و امکان دسترسی آسان به دیگر نواحی شهر از طریق اتوبوس‌های شرکت واحد خط متروی انقلاب و بی. آر. تی (سامانه اتوبوس‌های تندرو) و... روزانه شهروندان بسیاری از این میدان می‌گذرند. میدان و خیابان انقلاب تهران حد فاصل مناطق ۱۱ در جنوب و منطقه ۶ در شمال است. منطقه ۱۱ از بخش‌های مرکزی این کلان‌شهر از ۴ ناحیه و ۱۹ محله با جمعیتی حدود ۲۸۰ هزار نفر تشکیل شده است. منطقه ۱۱ شهرداری تهران از شمال به میدان انقلاب و خیابان آزادی، از شرق به خیابان‌های وحدت اسلامی و حافظ، از جنوب به میدان راه آهن و خیابان شوش و از غرب به خیابان‌های شهید نواب صفوی و شهید ابراهیمی (عباسی) و میدان حق‌شناس محدود است. از ویژگی‌های خاص این منطقه وجود مراکز مهم سیاسی و نظامی همانند بیت مقام معظم رهبری، نهاد ریاست جمهوری، شورای نگهبان، شورای عالی امنیت ملی، سازمان بازرسی کل کشور و... است. سفارت‌خانه کشورهای ایتالیا، فرانسه، لبنان، ارمنستان و چندین پادگان نظامی نیز در این منطقه قرار دارند. همچنین وجود مراکز مهم اقتصادی و بازارهای تخصصی با عملکرد فرامنطقه‌ای و فراشهری همانند تولید و فروش لوازم خودرو، بورس مواد غذایی، پوشاک، لوازم صوتی و تصویری، مراکز نشر کتاب سراسری، مراکز مهم دانشگاهی و علمی از جمله دانشگاه تربیت معلم، جهاد دانشگاهی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه جنگ دانشکده افسری و دامپزشکی ارتش و همچنین وجود ۱۰۰ مسجد و اماکن مهم آموزش کشوری به منطقه ۱۱ مرکزیت خاصی داده است. از سویی منطقه شش که تقریباً در مرکزیت جغرافیایی تهران و همجواری با مرکز ثقل قدیمی شهر یعنی محدوده بازار، میدان ارگ و توپخانه است از دهه چهل به بعد به واسطه احداث سازه‌ها و مراکز همانند وزارت کشاورزی در بلوار کشاورز، ساختمان‌های اداری در محورهای طالقانی و

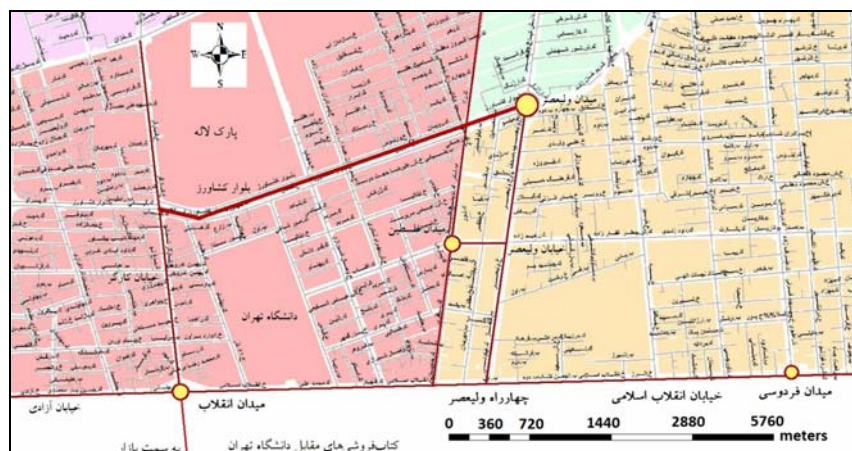
ایران شهر و مراکز جدید شهری در مقیاس‌های عملکردی محدودتر در طول محورهای اصلی میدان انقلاب و ولیعصر (مهندسین مشاور نقش جهان، ۱۳۸۴: ۴) وزن مکانی بیشتری یافت. بر این اساس، از نظر فعالیت و عملکرد، بخش عمده‌ای از منطقه به عنوان استخوان بندی شهر تهران و مرکز ثقل جدید حکومتی، اداری و تجاری (C.B.D)^۱ ایفای نقش می‌کند. استقرار ده وزارتخانه و ۱۴۲ سازمان تابعه، ۶۶ بیمارستان و مرکز درمانی، ۴۹ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی، ۲۶ سفارتخانه و دفتر سازمان‌های بین‌المللی و صدها مرکز اداری، مالی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای (مهندسین مشاور نقش جهان، ۱۳۸۴: ۵) از مصادیق کارکردی و کالبدی این تغییر و تحولات در پیرامون میدان و خیابان انقلاب طی چند دهه اخیر بوده است. این ویژگی‌ها به میدان و خیابان انقلاب وزن مکانی و موقعیت راهبردی خاصی بخشیده است به گونه‌ای که محدوده‌های یاد شده طی دهه‌های اخیر عرصه تحولات کالبدی، سیاسی و فضایی مؤثر در سطح ملی و فراملی بوده است. همین ویژگی‌ها، گستره کارکرد سیاسی و هویتی میدان انقلاب تهران را به خیابان‌های پیرامونی نیز کشانده است. برگزاری راهپیمایی‌ها و تظاهراتی که به صورت سالانه (۲۲ بهمن، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و ...) موردی (۹ دی و ...) در این محدوده برگزار شده است ناظر بر وزن مکانی محدوده یاد شده است. در یک تحقیق پیمایشی که درباره بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهر نمونه موردی خیابان انقلاب (دانشپور، ۱۳۸۶: ۱۳۶) انجام شده است. از سوی پاسخگویان در میان خیابان‌های تهران، خیابان انقلاب با سهمی نزدیک به ۵۰ درصد فراوانی (۴۳/۲٪) خیابان انقلاب به همراه ۴/۱ درصد سهم خیابان‌های متصل به آن و دسترسی‌هایی که به نوعی آنرا قطع کرده و یا با آن در ارتباط‌اند) به عنوان مهمترین خیابان اصلی تهران مطرح شده است. پس از آن خیابان ولیعصر به عنوان مهمترین خیابان اصلی شمالی- جنوبی ۲۹/۵٪ فراوانی را به خود اختصاص داده است. سه محور بعدی یعنی آزادی، امام خمینی و جمهوری که همگی شرقی- غربی هستند از نظر ویژگی‌های کلی متأثر از انتخاب اول یعنی محور انقلاب به نظر می‌رسد. از سوی دیگر اشاره به خیابان آزادی به عنوان سومین نمونه مهم و بستری که اتصال غرب تهران را با عبور از خیابان انقلاب در بخش میانی این پاره خط بلند شرقی- غربی به خیابان دماوند در قسمت شرقی آن امکان‌پذیر ساخته است خود بر اهمیت محور انقلاب تأکید دارد.

تخصیص و تمایز خیابان انقلاب در میان خیابان‌های یاد شده از سوی پاسخگویان، گویای هویت مشخص این خیابان در نزد آنها و اهمیت ویژه آن در میان دیگر خیابان‌های نامبرده است. بی‌گمان، نفس اهمیت، خود بر تمایز، تشخیص و بی‌همتایی آن نیز دلالت دارد به علاوه هر آنچه با اهمیت تلقی شود از دیگر موارد کم اهمیت تر از خود نیز متمایز می‌شود.

^۱ - Central Business District

جدول (۱) توزیع جمعیت نمونه بر پایه انتخاب مهم‌ترین خیابان‌های تهران (دانشپور، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

آماره (خیابان)	انقلاب	ولیعصر	آزادی	امام خمینی	جمهوری	خیابان‌های متصل به انقلاب	دیگر خیابان‌ها
تعداد فراوانی	۹۵	۶۵	۷	۵	۵	۹	۳۴
درصد فراوانی	۰/۴۳/۲	۰/۲۹/۵	۰/۳/۲	۰/۲/۳	۰/۲/۳	۰/۴/۱	۰/۱۵/۵



شکل (۱) موقعیت میدان و خیابان انقلاب در منطقه ۶ و ۱۱ (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، <http://www.udro.org.ir>)

۱-۲- میدان و خیابان انقلاب تهران تا انقلاب ۱۳۵۷

خیابان و میدان انقلاب یکی از پرحادثه‌ترین مکان‌های سده معاصر شهر تهران و ایران بوده- است. کمتر خیابانی در ایران می‌توان یافت که به اندازه این میدان و خیابان شاهد حوادث تاریخ معاصر بوده باشد به طوری که هر خیابان فرعی، تقاطع و کوچه آن یادآور یکی از حوادث چند دهه گذشته است. از زمان ساخت دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ این بخش از شهر در جایگاه کانون تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور سر برآورد. ساخت دانشگاه تهران و رفت و آمد قشر دانشگاهی و روشنفکران موجب شد که بافت پیرامون به سرعت هویت فرهنگی بیابد:

چه به سبب اقامت استادان و دانشجویان در خانه‌های مجاور دانشگاه و چه به علت گشایش کتاب فروشی‌های متعدد، دارالترجمه‌ها، دفاتر حقوقی، انتشاراتی‌ها و... از آنجا که در تاریخ معاصر ایران قشر روشنفکر دانشگاهی در تمام تحولات، وزنه اساسی به شمار می‌آمد کانون یارگیری‌های سیاسی و برگزاری هرگونه مراسم، سخنرانی و راهپیمایی، دانشگاه تهران و پیرامون آن بود. در دوران رضاشاه دانشگاه کمابیش یک محیط صرفاً علمی بود و به سبب نوپایی و اختناق، نمود کمتری از سیاست در آن دیده می‌شد. با سقوط حکومت رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و گشایش فضای سیاسی، دانشگاه تهران مرکز فعالیت گروه‌های مختلف سیاسی ملی، اسلامی، توده‌ای و... شد. نقطه اوج این فعالیت‌ها سال‌های پایانی دهه ۲۰ و آغاز دهه ۳۰ بود: یعنی هنگامه ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری محمد مصدق که با حوادثی همانند ترور نافرجام محمدرضا پهلوی در دانشگاه تهران به سال ۱۳۲۷ و حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشکده فنی همراه شد و دانشگاه تهران برای سال‌ها پایگاه مبارزه علیه نظام شاهنشاهی شد. هشت سال بعد در اول بهمن ماه سال ۱۳۴۰ همین مخالفت‌ها موجب شد که پلیس به تظاهرات دانشجویان در داخل دانشگاه حمله کند و افزون بر ضرب و شتم آنان و دیگر کارکنان آن مجموعه به تخریب وسایل موجود در دانشگاه پرداخت. در ۱۵ خرداد سال ۴۲ دانشگاه تهران و خیابان‌های مجاور یکی از کانون‌های مهم راهپیمایی اعتراض آمیز دانشجویان بود که با سرکوب همراه بود. از آن پس دانشگاه تهران و پیرامون آن به آوردگاه نیروهای سیاسی مخالف با گرایش‌های مختلف علیه رژیم پهلوی بدل شد. در واقع همین رویدادها و پیشامدها بود که موجب شد نام خیابان مقابل دانشگاه به خیابان «انقلاب» و نام میدان «۲۴ اسفند» به میدان «انقلاب» تغییر کند تا همیشه نقش بی‌همتای این مکان در انقلاب ۱۳۵۷ به یادگار بماند.

۲-۲- میدان و خیابان انقلاب تهران از انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون

محور اصلی شرقی- غربی شهر تهران که به خیابان انقلاب تغییر نام یافت محل اصلی حرکت جمعیت‌های میلیونی بوده است (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۷۱). میدان انقلاب به عنوان فضایی که نقشی محوری در روند انقلاب داشت هنوز هم در کلان شهر تهران مرکزیت دارد. به مرکزیت میدان انقلاب شاهد خیابان‌های ۱۲ فروردین، ۱۶ آذر، خیابان قدس و فلسطین در جایگاه آرمان‌های انقلاب هستند. دانشگاه تهران در میان دیگر دانشگاه‌های ایران دانشگاهی است که اصالت و روح یک محیط آکادمیک را دارد. دانشگاه تهران به عنوان یکی از دروازه‌های ورود مدرنیته، امروز هم بازتولید کننده عقلانیت مدرن است. این دانشگاه همواره، مرکزی برای

گردهمایی‌های سیاسی، جلسات و سخنرانی‌های روشنفکرانه بوده‌است. اگر انقلاب را نمونه کوچک و فشرده تهران بپنداریم با دانشگاه و نمازهای روز جمعه و توسعه امروزین خود می‌تواند تلاقی سه مفهوم پولیس، سیتی و مدینه را در خود بنمایاند. انقلاب با کتاب‌فروشی‌ها، فروشگاه-های موسیقی، کافه‌ها و سینماهایش به واقع مرکزی فرهنگی و از آن فراتر فرهنگ‌ساز است. روشنفکران، نویسندگان و شاعران، کتاب‌فروشی‌های انقلاب را ده‌ها سال است که مسخر اندیشه‌ها، نوشته‌ها و پنداشت‌های خود کرده‌اند. در کتاب‌فروشی‌های انقلاب هنوز می‌توان شریعتی را یافت که مشغول سخنرانی است و مطهری که با صدایی بلند سخنرانی می‌کند. جلال آل احمد، هنوز از غرب‌زدگی می‌گوید و شاملو هم مشغول خواندن اشعار حماسی خویش است و باید نرم و آهسته به سراغ سهراب رفت و خلاصه همه روشنفکران و شاعران و نویسندگان و مترجمان با کتاب‌هایشان در انقلاب جشنواره‌ای به راه انداخته‌اند و مشغول بازتولید خویش‌اند و بازار کتاب‌های ترجمه هنوز به سردی نگراییده است. به راحتی می‌توان ردپای عقلانیت ایزاری را در کتاب‌فروشی‌های امروز انقلاب مشاهده کرد. عقلانیت سوداگری که با طرح جلدهای رنگارنگ و ویتترین‌های جذاب که آراسته به کتاب‌های عامه‌پسند است بازار مکاره‌ای به راه انداخته‌است و کتاب را به یک کالای مصرفی صرف فروکاسته‌است. ۱۸ تیر و خنثی کننده آن در ۲۳ تیر هر دو در این میدان رخ می‌دهند. معمولاً جریان‌ات در همان مکانی که می‌آغازند به پایان می‌رسند. مشروطه از بهارستان آغاز می‌کند و همان جا به توپ بسته می‌شود. شاید بر پایه چنین ویژگی‌هایی بوده است که ستاد مرکزی دهه فجر انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی قدس و انتفاضه و شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای مسیرهای شش گانه منتهی به تجمع بزرگ در میدان و خیابان انقلاب را اعلام می‌کنند.

نتیجه‌گیری

شهر نظام اجتماعی- فضایی است که از ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نهادی تشکیل شده است. در این میان، بعد سیاسی و نهادی به دلیل داشتن قدرت و سازوکار کنترل دیگر ابعاد حیاتی شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از همین رو، مناسبات سیاسی قدرت و پیامدهای فضایی آن مورد توجه جغرافیای سیاسی است. در این میان، محیط در قالب فضا و ساختار به مکان‌های شهری، هویت و وزن مکانی خاصی می‌بخشد به طوری که کارکردهای این مکان‌ها تابعی از نقشه ذهنی برآمده از محیط و تحولات سیاسی و اجتماعی خواهد بود. این ویژگی‌ها در قالب فضاها و خاطرات فردی و جمعی به کنش مکانی منجر می‌شود. مکان‌ها متناسب با تمرکز منابع، قدرت و حوزه نفوذشان وزن مکانی متفاوتی به

نمایش می‌گذارند. متناسب با وزن مکان و مقیاس حوزه نفوذ، جریان‌های سیاسی می‌کوشند با حضور در آن دست مکان‌های شهری بپردازند که از وزن و موقعیت راهبردی برخوردار است به قدرت‌نمایی و سهم‌خواهی در ساختار قدرت بپردازند. میدان و خیابان انقلاب تهران و خیابان‌های پیرامونی آن طی چند دهه اخیر گُنشگاه بسیاری از جریان‌های سیاسی موافق و مخالف بوده‌اند. بُعد رسانه‌ای، وجود مراکز مهم آموزشی، نظامی، کانون‌های تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی، پیوند شرق و غرب تهران و بروز بسیاری از تحولات سیاسی پسا و پیشا انقلاب به محدوده یاد شده کارکرد و وزن مکانی خاصی بخشیده است به طوریکه هیچ کدام از میدان‌ها و خیابان‌های تهران چنین جلوه و جایگاهی ندارند. نقشی که به نظر می‌رسد در آینده هم تداوم خواهد داشت.

منابع و مآخذ

۱. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) **محیط و رفتار اجتماعی**، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۲- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۴) **زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. بهفروز، فاطمه (۱۳۷۰) **بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری**، جغرافیای انسانی معاصر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۲۰
۴. بیگدلی، زاهد و شریفی سمیه (۱۳۸۷) **درآمدی بر مفهوم مکان**، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سال یازدهم، شماره (پیاپی ۴۴)، زمستان
۵. پای، لوسین (۱۳۸۳) **فرهنگ سیاسی**، ترجمه محبوبه مهاجر در دایره‌المعارف دموکراسی، انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. تانکیس، فرن (۱۳۸۸) **فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری**، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران
۷. دانشپور، سیدعبداله‌ادی (۱۳۸۶) **بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان)**، نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب، رساله دکتری در شهرسازی، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا به راهنمایی ایرج اعتصام

۸. سادات حبیبی، رعنا (۱۳۸۷) **تصویرهای ذهنی و مکان**، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، پاییز
۹. شصتی، شیما و میرزایی، نواب (۱۳۸۷) **هویت مکانی / اجتماعی شناخت و توسعه‌ی عوامل درون‌زای آن در جهت رشد و بالندگی هویت انسانی (در حوزه‌ی سکونتگاه‌های زاگرس مرکزی)** اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های سنتی زاگرس: http://www.civilica.com/Paper-ZTSIC۰۱-ZTSIC۰۱_۰۴۰.html
۱۰. شکوئی، حسین (۱۳۸۶) **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**، جلد اول، چاپ نهم، انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی
۱۱. فلاح، حسین و اشرف گنجوی، محمدعلی (۱۳۸۴) **هویت مکانی یک فضای شهری، همایش عمران معماری و شهرسازی کرمان**
<http://www.civilica.com/Paper-CAUCK-CAUCK.html>
۱۲. فلاحت، صادق (۱۳۸۵) **مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن**، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۶
۱۳. کرمی، تاج‌الدین و عبدی، عطاالله (۱۳۸۹) **تبیین فلسفی - مفهومی جغرافیای سیاسی شهر**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم.
۱۴. قالیباف، محمدباقر، **جغرافیای سیاسی کلان‌شهرها در ایران**: ۱۳۸۹/۱۰/۱۱
<http://www.ghalibaf.ir/>
۱۵. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱) **تهران ظهور یک کلانشهر**، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۶. مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰) **روان‌شناسی محیط و کاربرد آن**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۱۷. نصر اصفهانی، علی و احسان پور، سهیلا: **مدیران و قضاوت دقیق** ۹/۱۰/۱۳۸۹
<http://www.mbaforum.ir/showthread.php>
۱۸. نظریان، اصغر (۱۳۸۸) **پویایی نظام شهری ایران**، چاپ اول، انتشارات مبتکران.

[http://www.aag.org/cs/about aag/ specialty groups / environmental perception and behavioral geography](http://www.aag.org/cs/about%20aag/specialty%20groups/environmental%20perception%20and%20behavioral%20geography) Department of Geography and Planning Rankin Science West Boone NC ۲۸۶۰۸

http://en.wikipedia.org/wiki/Mental_mapping

<http://faculty.Washington.edu/csfowler/geogr۷۷.htm>. **Fowler, Christo
pher**, Urban Political Geography

<http://www.geography.osu.edu/faculty/kcox/g۶۶۰.htm> **Geography
۶۶۰: Urban Political, Geography**

[http://www.utoronto.ca/registrar/calendars/calendar/Geography
.html](http://www.utoronto.ca/registrar/calendars/calendar/Geography.html). Urban Political Geography

Renin short, John (۱۹۹۳). **an introduction to political geography**.
Routledge London and New York

Rosenberg, Matt, Mental Maps: **How We See The World**. From:
[http://geography
.about. Com/cs/ cultural geography/ a /
mentalmaps.htm](http://geography.about.com/cs/cultural_geography/a/mentalmaps.htm)

Urban Political Geography winter(۲۰۱۰) [http://geog.ucalgary
.ca/courses /w۱۰/ GEOG۵۶۵. http://www.utoronto .ca/
~registrar/ calendars/calendar /Geography .html](http://geog.ucalgary.ca/courses/w۱۰/GEOG۵۶۵) . **Urban Political
Geography**

Urban Studies Minor [http://www.geoearth .uncc.edu /programs/
undergrad/ urbanminor .htm](http://www.geoearth.uncc.edu/programs/undergrad/urbanminor.htm). The Department of Geography and
Earth Sciences is part of The University of North Carolina at
Charlotte